سُوْرَةُ الْأَعْرَافِ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الٓمٓصٓ (١)

كِتٰبٌ أُنْزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِيْ صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ
لِتُنْذِرَ بِهٖ وَذِكْرٰى لِلْمُؤْمِنِيْنَ (٢)

اِتَّبِعُوْا مَآ أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوْا مِنْ
دُوْنِهٖٓ أَوْلِيَآءَ ۗ قَلِيْلًا مَّا تَذَكَّرُوْنَ (٣)

وَكَمْ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنٰهَا فَجَآءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا
أَوْ هُمْ قَآئِلُوْنَ (٤)

فَمَا كَانَ دَعْوٰىهُمْ إِذْ جَآءَهُمْ بَأْسُنَآ إِلَّآ أَنْ قَالُوْٓا إِنَّا كُنَّا
ظٰلِمِيْنَ (٥)

فَلَنَسْـَٔلَنَّ الَّذِيْنَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْـَٔلَنَّ الْمُرْسَلِيْنَ (٦)

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَّمَا كُنَّا غَآئِبِيْنَ (٧)

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذِ الْحَقُّ ۚ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِيْنُهٗ

سوره اعراف مکی است وآن دوصدو شش آیت و بیست وچهار رکوع است

بنام خدا بخشاینده مهربان .

الٓمٓصٓ (١) .

این کتابیست که فرودآورده شد بسوی توپس بایدکه نباشد درسینهٔ تو هیچ تنگی ازتبلیغ اوفرودآورده شدتابیم کنی بآن وبرای پند مسلمانان را (٢) .

پیروی کنید آنراکه فرودآورده شد بسوی شماازجانبِ پروردگار شما و پیروی مکنید بجزوی دوستان را[1] اندکی پندمی پذیزید (٣) .

وبَساده که هلاك کردیمش پس آمدبوی عقوبتِ ماوایشان شبانگاه آرمیده بودندیا وقتیکه ایشان درخواب نیم روز بودند (٤) .

پس نبود قول ایشان چون بیامد بایشان عقوبت ماالاآنکه گفتند هرآئینه ماستمگاربودیم (٥) .

پس البته سوال خواهیم کردآن کسانی را که پیغامبر فرستاده شد بسوی ایشان و البته سوال خواهیم کرد پیغامبران را (٦).

پس البته بیان خواهیم کرد بحضورایشان[2] بدانش ونبودیم غائب (٧) .

وسنجیدنِ اعمال بانصاف آن روزبودنیست

(١) یعنی معبودان باطل که دوست می گرفتید والله اعلم .

(٢) یعنی همه اعمال ایشان را .

فَأُولَٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨﴾

پس هركه‌گران شدپله نيكى هاى او پس ايشانند رستگار (٨) .

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُۥ فَأُولَٰٓئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوٓا أَنفُسَهُم
بِمَا كَانُوا بِـَٔايَٰتِنَا يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾

وهركه سبك شدپلهٔ نيكى هاى او پس آنجماعت آنانند كه زيان كردند درحق خويشتن بسبب آنكه بآياتِ ما انكارمى كردند (٩) .

وَلَقَدْ مَكَّنَّٰكُمْ فِى الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَٰيِشَ ۗ
قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿١٠﴾

و هرآئينه استقرار داديم شمارادرزمين وپيداكرديم براى شمادرآنجا اسباب معيشت اندكى شكرمى كنيد (١٠) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَٰكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَٰكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَٰٓئِكَةِ اسْجُدُوا
لِءَادَمَ فَسَجَدُوٓا إِلَّآ إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّٰجِدِينَ ﴿١١﴾

وهرآئينه آفريدم شمارا (يعنى پدرشمارا) بـازصـورت بستيـم شمـارا (يعنـى پدرِشمارا) باز گفتيم به فرشتگان كه سجده كنيدآدم را پس سجده كردند مگر ابليس نبود از سجده كنندگان (١١) .

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ ۖ قَالَ أَنَا۠ خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِى
مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُۥ مِن طِينٍ ﴿١٢﴾

گفت خداچه چيزمنع كردتراازآنكه سجده كنى وقتيكه امركردم تراگفت من بهترم ازو آفريدى مراازآتش وآفريدى اورا ازگِل (١٢) .

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ
مِنَ الصَّٰغِرِينَ ﴿١٣﴾

گفت پس فرود رو ازآسمان زيراكه لائق نيست ترا كه سركشى كنى درآن پس بيرون شو هرآئينه توازخوار شوندگانى (١٣) .

قَالَ أَنظِرْنِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤﴾

گفت بار الٰهامهلت ده مرا تاروزيكه آدميان برانگيخته شوند (١٤) .

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿١٥﴾

گفت خداهر آئينه تو ازمهلت داده شدگانى (١٥) .

قَالَ فَبِمَآ أَغْوَيْتَنِى لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَٰطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾

گفت پس بسبب آنكه‌گمراه كردى مرا البته به نشينم براى آدميان براه راست تويعنى تاازآن منع كنم (١٦) .

ثُمَّ لَءَاتِيَنَّهُم مِّنۢ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَٰنِهِمْ وَعَن

پس البته بيايم بسوى ايشان ازپيش ايشان

شَمَآئِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَٰكِرِينَ ﴿١٧﴾

وازپس پشت ایشان وازجانب راست ایشان وازجانب چپ ایشان ونیابی اکثر ایشان را شکر گذار (١٧) .

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَّدْحُورًا لَّمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ
جَهَنَّمَ مِنكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٨﴾

گفت بیرون روازآسمان نکوهیده رانده شده بخداهرکه پیروی کند تراازآدمیان البته پُرکنیم دوزخ را ازشما همه یکجا (١٨) .

وَيَٰٓـَٔادَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا
وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّٰلِمِينَ ﴿١٩﴾

و گفتیم ای آدم ساکن شوتو و زن تو دربهشت پس بخوریدازهرجاکه خواهید و نزدیك مشوید باین درخت که خواهید شد ازستمگاران (١٩) .

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَٰنُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُۥرِيَ عَنْهُمَا مِن
سَوْءَٰتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَىٰكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَٰذِهِ الشَّجَرَةِ
إِلَّآ أَن تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَٰلِدِينَ ﴿٢٠﴾

پس وسوسه داد ایشان را شیطان تاآشکارا گرداند برای ایشان آنچه پوشیده بودازنظرایشان ازشرم گاه های ایشان گفت منع نکرده است شمارا پروردگار شما ازین درخت مگربرای احتیاط ازآنکه شوید دوفرشته یا شوید ازجاوید باشندگان (٢٠) .

وَقَاسَمَهُمَآ إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّٰصِحِينَ ﴿٢١﴾

وقسم خوردبرای ایشان که من ازنصیحت کنندگانم شمارا (٢١) .

فَدَلَّىٰهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا
يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَىٰهُمَا رَبُّهُمَآ أَلَمْ أَنْهَكُمَا
عَن تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَآ إِنَّ الشَّيْطَٰنَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٢﴾

پس بسوی پستی انداخت ایشانرا بفریب دادن پس چون چشیدندآن درخت راظاهر شدایشان را شرمگاهای ایشان و شروع کردند که برگی بالای برگی می چسپانیدند برخویش ازبرگ درختان بهشت وندا کرد ایشان را پروردگار ایشان که آیا منع نکرده بودم شمارا ازین درخت ونه گفته بودم به شما که هرآئینه شیطان شمارا دشمن آشکار است (٢٢) .

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ
الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾

گفتند ای پروردگار ماستم کردیم برخویش و ا گرنیامرزی مارا ومهربانی نکنی برما البته از زیان کاران باشیم (٢٣) .

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ
مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾

گفت خدافروروید بعض شمابعضی رادشمن خواهد بود وشمارادر زمین استقرار وبهره مندی باشد تاوقتی معین (یعنی تامرگ) (٢٤) .

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾

گفت خدادرزمین زندگانی خواهید کرد و درآنجاخواهید مرد وازآنجا بیرون آورده شوید (٢٥) .

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا
وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ
يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٦﴾

ای فرزندان آدم هرآئینه مافرودآوردیم برشما لباسی که بپوشد شرمگاه شمارا وفرودآوردیم جامه های زینت را ولباس پرهیز گاری وی ازهمه بهتراست این ازنشانه های خداست تاایشان پندپذیرشوند (٢٦) .

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ
يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ
حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾

ای فرزندان آدم گمراه نکند شمارا شیطان چنانکه بیرون آورد پدر ومادر شمارا ازبهشت برمی کشید ازایشان جامهٔ ایشان را تابنماید ایشان را شرمگاه ایشان هرآئینه شیطان وقوم اومی بینند شماراازآن جاکه شما نه می بینید ایشانرا هرآئینه ماساختیم شیاطین را کار گذار کسانیکه ایمان ندارند (٢٧) .

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا
بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ
مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

وچون بکنند کارزشت گویند یافتیم برین کارپدرانِ خودرا وخدافرموده است مارابآن بگوهرآئینه خدانمی فرماید بکارزشت آیامی گوئید برخدا آنچه نمی دانید (٢٨) .

قُلْ اَمَرَ رَبِّيْ بِالْقِسْطِ وَاَقِيْمُوْا وُجُوْهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَّادْعُوْهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ ۚ كَمَا بَدَاَكُمْ تَعُوْدُوْنَ ﴿٢٩﴾

بگوهرآئینه فرموده است پروردگار من بانصاف وفرموده است که راست کنید رویهای خودرا[1] نزدیك هرنماز وپرستیداورابرای اوخالص کرده عبادت را چنانکه آفریدشمارانخست هم چنان دیگربار خواهید شد[2] (۲۹) .

فَرِيْقًا هَدٰى وَ فَرِيْقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلٰلَةُ ۗ اِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّيٰطِيْنَ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَيَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ مُّهْتَدُوْنَ ﴿٣٠﴾

گروهی راراه نمود و گروهی را ثابت شدبرایشان گمراهی هرآئینه شیاطین را دوست گرفتند بجزخدا ومی پنداشتند که ایشان راه یافتگانند (۳۰) .

يٰبَنِيْٓ اٰدَمَ خُذُوْا زِيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَّكُلُوْا وَاشْرَبُوْا وَلَا تُسْرِفُوْا ۚ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ ﴿٣١﴾

ای فرزندان آدم بگیریدزینت خودرا[3] نزدیك هرنماز وبخورید وبیاشامیدوازحدمگذرید هرآئینه خدادوست نمیدارد ازحدگذرندگان را (۳۱) .

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِيْنَةَ اللّٰهِ الَّتِيْٓ اَخْرَجَ لِعِبَادِهٖ وَالطَّيِّبٰتِ مِنَ الرِّزْقِ ۚ قُلْ هِيَ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ﴿٣٢﴾

بگوکیستکه حرام کرد زینت خداراکه پیداکرده است برای بندگان خودوکیستکه حرام کرده است پاکیزه هاراازرزق بگوآن پاکیزه هاازملابس و مآکل برای مسلمانان ست درزندگانی دنیا[4] خالص شده برای ایشان روزقیامت همچنین بیان می کنیم نشانه هارا برای گروهی که می دانند[5] (۳۲) .

---

(۱) یعنی بسوی کعبه .

(۲) یعنی سروپابرهنه ختنه ناکرده محشورشوید والله اعلم .

(۳) یعنی لباس خودرا .

(٤) یعنی لائق ایشانست ا گرچه دیگران نیزاستعمال کنند والله اعلم .

(٥) مترجم گوید درین آیت اشارت است برمذهب رهبان یهود و نصاری ومخنشین عرب که توسع رادرمآکل و ملابس مکروه میداشتند والله اعلم .

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ
وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا
وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾

بگوجزاین نیست که حرام کرده است پروردگار من بی حیائی ها را آنچه علانیه باشدازآن وآنچه پوشیده وحرام کرده است گناه وتعدی ناحق وآنکه شریك خدا مقررکنید چیزی را که خدا هیچ دلیل برآن نازل نکرده است وآنکه بگوئید برخدا آنچه نمی دانید(٣٣) .

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً
وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٤﴾

وهرگروهی را میعادیست[١] پس چون بیاید[٢] میعادایشان تاخیر نکنند یك ساعت ونه سبقت کنند[٣] (٣٤) .

يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ
اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٥﴾

ای فرزندانِ آدم ا گر بیایند به شماپیغامبران ازجنس شما می خوانند برشماآیاتِ مرا پس هرکه پرهیزگاری کند و نیکوکاری نماید پس هیچ ترس نه باشد برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٣٥) .

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾

وکسانیکه بدروغ نسبت کردند آیاتِ ماراوسرکشی کردندازقبول آنهاایشان بندگان دوزخ اند ایشان آنجاجاویدان اند (٣٦) .

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ
أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ
رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ
دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ

پس کیست ستمگار تراز کسی که بربست برخدادروغ رایا بدروغ نسبت کردآیاتِ اورا آن جماعت برسد بایشان بهرۀ ایشان ازآنچه نوشته شددرلوح محفوظ[٤] تاوقتیکه چون بیایند نزدیك ایشان

(١) یعنی وقتی معین است برای هلاك ایشان والله اعلم .

(٢) یعنی نزدیك شود .

(٣) یعنی برزبان حضرت آدم چنانکه درسورۀ بقرة اشارت رفت والله اعلم .

(٤) یعنی نعمت و نعمت که مقدرشده دردنیا بایشان برسد والله اعلم .

كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٣٧﴾

فرستادگان ما تا قبض ارواح ایشان کنند گویندکجاست آنچه شما می پرستیدید بجزخدا گویند گم شدندایشان ازماومعترف شدند برخویش باین که ایشان کافربودند (۳۷) .

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ
فِي النَّارِ ۖ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا ۖ حَتَّىٰ إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا
جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ
عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ ۖ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ
وَلَٰكِن لَّا تَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾

حکم کندخداکه داخل شوید همراه امتانی که گذشته اند پیش ازشما ازجن وانس درآتش هر گاه که درآید قومی لعنت کند قوم دیگرمانند خودرا تاوقتیکه چون به یکدیگربرسنددردوزخ بهمه یکجا گویدجماعت متاخر ازایشان درحق جماعت متقدم ازایشان ای پروردگارما ایشان گمراه کردند مارا پس بده ایشان را عذاب دوچند ازدوزخ فرماید خداهریکی را دوچند است ولیکن نمی دانید[1] (۳۸) .

وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ
فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٣٩﴾

و گویند جماعت متقدم ازایشان جماعت متاخررا ازایشان پس نیست شمارا هیچ بزرگی برما پس بچشید عذاب را بسبب آنچه می کردید (۳۹) .

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ
أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي
سَمِّ الْخِيَاطِ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿٤٠﴾

هرآئینه کسانیکه بدروغ نسبت کردند آیات ماراوسرکشی کردنداز قبول آن هرگزکشاده نه شودبرای ایشان دروازه های آسمان ودرنیایند به بهشت تاوقتیکه داخل شود شتردرسوراخ سوزن[2] وهمچنین جزامیدهیم گناهگاران را (٤٠) .

---

(۱) یعنی تابعین را عذاب کفرتقلید ومتبوعین را عذاب ضلال واضلال والله اعلم .

(۲) یعنی محال است والله اعلم .

لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي
الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

ایشان را ازدوزخ فرش بُوَد وازبالای ایشان ازدوزخ پوششهاباشد وهمچنین جزا می دهیم ستمگاران را (٤١) .

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٤٢﴾

وکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند تکلیف نمی دهیم هیچکس را مگر به قدر طاقت او آنجماعت باشندگان بهشت اند ایشان آنجاجاویدان باشند (٤٢) .

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ ۖ
وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا
أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ۖ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ ۖ وَنُودُوا أَن
تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾

وبیرون آریم آنچه درسینه های ایشان بُوَد از کینه[1] میرودزیرایشان نهرهَا و گویند سپاس آن خدا راست که دلالت کردمارابسوی این بهشت و هر گز نبودیم راه یابنده ا گر راه نه نمودی ماراخدا هرآئینه آمدندفرستاد گان پروردگار مابراستی ونداکرده شوندکه این بهشت داده شدید آن را بسبب آنچه می کردید (٤٣) .

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا
رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا ۖ قَالُوا نَعَمْ ۚ فَأَذَّنَ
مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾

ونداکنند اهلِ بهشت اهلِ دوزخ را که ماراست یافتیم آنچه وعده کرده بود به ماپروردگارما پس آیاشماهم راست یافتید آنچه به شماوعده کرده بودپروردگار شما گفتند آری پس آواز کند آوازکننده ای درمیان ایشان که لعنت خدا برآن ستمگاران است (٤٤) .

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ

که بازمی داشتند مردمان را ازراهِ خدا

---

(١) یعنی آن کینه هاکه در دل بهشتیان باشد دورکنیم مثل آنچه میان عثمان وعلی وطلحه وزبیر وعائشه رضی الله عنهم واقع شد والله اعلم .

وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿٤٥﴾

ومی خواستند برای آن راه کجی[1] وایشان بآخرت اعتقادنداشتند (٤٥) .

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿٤٦﴾

ودرمیان بهشت ودوزخ حجابیست[2] وبراعراف مردمانی باشند که می شناسند هریکی راازاهل موضعین بقیافهٔ ایشان ونداکنند اهل اعراف اهل بهشت را که سلام علیکم هنوزبه بهشت درنیامده اند وایشان طمع آن دارند (٤٦) .

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾

وچون گردانیده شود چشمهای اهل اعراف به طرف اهل دوزخ گویند ای پروردگارما مکن ماراهمراه گروه ستمگاران (٤٧) .

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُم بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٨﴾

ونداکردند اهل اعراف مردانی راکه می شناسند ایشان را به قیافهٔ ایشان گویند کفایت نه کرد ازشماجمعیت شما وآنکه سرکشی می کردید (٤٨) .

أَهَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٤٩﴾

آیااین جماعت اند آنانکه شماقسم میخوردید که هرگزخدا نه رساند بایشان هیچ رحمت[3] گفته شدایشان را که درآئید به بهشت هیچ ترس نیست برشماونه شما اندوهگین شوید (٤٩) .

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾

ونداکنند اهل دوزخ اهل بهشت را که بریزیدبرما چیزی ازآب یاازسائرآنچه روزی داده است شمارا خدا گویند هرآئینه خداحرام ساخته است این

(١) یعنی می خواستند به شبهات این راه را باطل سازند .
(٢) وآن مسمی باعراف است والله اعلم .
(٣) یعنی فقرای مسلمین که کافران ازایشان حسابی نمی گرفتند والله اعلم .

هردورابرکافران (۵۰) .

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَّلَعِبًا وَّغَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا ۚ
فَالْيَوْمَ نَنْسٰهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَآءَ يَوْمِهِمْ هٰذَا ۙ وَمَا كَانُوا بِاٰيٰتِنَا
يَجْحَدُوْنَ ﴿٥١﴾

آنانکه گرفته اند دین خودرا بازی ولهوو فریب دادایشان را زندگانی دنیا پس امروز فراموش کنیم ایشان راچنانکه ایشان فراموش کردند ملاقات این روزخویش را وچنانکه انکار میکردند بآیاتِ ما[1] (۵۱) .

وَلَقَدْ جِئْنٰهُمْ بِكِتٰبٍ فَصَّلْنٰهُ عَلٰى عِلْمٍ هُدًى وَّرَحْمَةً
لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٥٢﴾

وهرآئینه آوردیم برای ایشان کتابی که مفصّل کرده ایم آنرابدانش برای رهنمائی وبخشائش مومنان را (۵۲) .

هَلْ يَنْظُرُوْنَ إِلَّا تَأْوِيْلَهُ ۚ يَوْمَ يَأْتِيْ تَأْوِيْلُهُ يَقُوْلُ
الَّذِيْنَ نَسُوْهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ ۚ
فَهَلْ لَّنَا مِنْ شُفَعَآءَ فَيَشْفَعُوْا لَنَآ أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِيْ
كُنَّا نَعْمَلُ ۚ قَدْ خَسِرُوْٓا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا
يَفْتَرُوْنَ ﴿٥٣﴾

انتظارنمی کنندکفار مگرمصداق این وعده را روزیکه بیاید مصداق آن گویند کسانیکه فراموش کرده بودند آنراپیش ازین هر آئینه آمده بودند پیغامبران پروردگار مابراستی پس آیا هستند برای ما شفیعان تاشفاعت کنند برای ما یا بازگردانیده شویم بسوی دنیا پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم[2] هرآئینه زیان کردند درحق خویشتن و گم شده ازایشان آنچه افترامی کردند (۵۳) .

إِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ فِيْ سِتَّةِ
أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ ۚ يُغْشِي الَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ
حَثِيْثًا ۙ وَّالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُوْمَ مُسَخَّرٰتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا

هرآئینه پروردگار شماآن خدااست که آفریدآسمان هاوزمین را درشش روز باز مستقرشد برعرش می پوشاند شب رابه روز[3] می طلبد شب روزرابه شتاب[4]

---

(۱) وفراموش کردن خدا ترك ایشان است دردوزخ والله اعلم .
(۲) یعنی مسلمان شویم و بت را نه پرستیم .
(۳) یعنی گاهی اجزای شب را بلباس نهار پوشانیده درحساب نهارمی گرداند والله اعلم.
(٤) یعنی ازپی درآمدن شب بعد روز مشابه آنست که گویا کسی کسی رادوان وشتابان می طلبد .

لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبٰرَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٥٤﴾

وآفريد خورشيد وماه وستارگان را رام شده بفرمان خدا آگاه شو اوراست آفريدن وفرمانروائى بغايت بزرگ است خدا پروردگار عالمها (٥٤) .

اُدْعُوْا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَّخُفْيَةً ۚ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ ﴿٥٥﴾

به پرستيد پروردگار خودرا زارى كنان و پوشيده ازمردمان هرآئينه اودوست ندارد ازحدگذرندگان را (٥٥) .

وَلَا تُفْسِدُوْا فِى الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا وَادْعُوْهُ خَوْفًا وَّطَمَعًا ۚ اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٥٦﴾

وفسادمكنيد درزمين بعداصلاح آن[1] وبه پرستيد اورابه ترس واميد هرآئينه بخشائش خدا نزديك است ازنيكوكاران (٥٦) .

وَهُوَ الَّذِىْ يُرْسِلُ الرِّيٰحَ بُشْرًاۢ بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهٖ ۚ حَتّٰىٓ اِذَآ اَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنٰهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَاَنْزَلْنَا بِهِ الْمَآءَ فَاَخْرَجْنَا بِهٖ مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ ۚ كَذٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتٰى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ﴿٥٧﴾

واوست آنكه مى فرستد بادها را مژده دهنده پيش از رحمت خود[2] تاوقتيكه بردارد ابرگران را روان كنيم آن رابسوى شهرى مرده پس فرودآريم بواسطه آن ابرآب راپس بيرون آريم بآن آب ازجنس هر ميوه همچنين بيرون آريم مردگان را[3] تاپند پذير شويد (٥٧) .

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهٗ بِاِذْنِ رَبِّهٖ ۚ وَالَّذِىْ خَبُثَ لَا يَخْرُجُ اِلَّا نَكِدًا ۚ كَذٰلِكَ نُصَرِّفُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّشْكُرُوْنَ ﴿٥٨﴾

وشهر پاكيزه برمى آيدگياه او بفرمان پروردگار او وزمين ناپاكيزه برنمى آيد رستنى اومگرناهموار بديررونده همچنين گوناگون بيان مى كنيم نشانه هابراى قومى كه شكرگذارى مى كنند[4] (٥٨) .

---

(١) يعنى بسبب بعثت رسول الله صلى الله عليه وسلم .

(٢) يعنى پيش ازباران .

(٣) يعنى ازقبور بيرون كنيم .

(٤) مترجم گويد اين مثل است براى پنددرقلب سليم وعدم تاثير آن درغير سليم والله اعلم .

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا
لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥٩﴾

هر آئینه فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبودبرحق بجزوی هرآئینه من می ترسم برشما ازعقوبتِ روزبزرگ[1] (٥٩) .

قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾

گفتند اشراف ازقوم او هرآئینه ما می بینیم ترادر گمراهی ظاهر (٦٠) .

قَالَ يَٰقَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾

گفت ای قوم من نیست بامن هیچ گمراهی ولیکن من پیغامبرم ازجانب پروردگار عالمها (٦١) .

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ
اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾

میرسانم به شماپیغام های پروردگار خودونیك خواهی می کنم برای شماو میدانم ازحکم خدا آنچه نمی دانید (٦٢) .

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ
لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٦٣﴾

آیاتعجب کردید ازآنکه آمد به شما پندی ازجانب پروردگار شما (فرودآمده) برزبان مردی ازشماتابیم کند شمارا وتاپرهیزگاری کنید وتامهربانی کرده شودبرشما (٦٣) .

فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾

پس دروغگوپنداشتند آن را پس نجات دادیم اوراوکسانی را که باوی بودند درکشتی و غرق ساختیم کسانی را که دروغ پنداشتند آیاتِ ماراهرآئینه ایشان بودندگروهی نابینا (٦٤) .

وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا ۗ قَالَ يَٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم
مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۚ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٦٥﴾

وفرستادیم بسوی قوم عاد برادرایشان هود را گفت ای قوم من عبادت کنیدخدا را نیست شمارا هیچ معبودبرحق غیراو

---

(١) یعنی روزقیامت .

آیا پرهیزگاری نمی کنید (٦٥) .

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي
سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٦٦﴾

گفتند اشراف کفار ازقوم او هرآئینه مامی بینیم ترا در بی خِرَدی وهرآئینه ما می پنداریم ترا ازدروغگویان (٦٦) .

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِّن
رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٧﴾

گفت ای قوم من نیست بامن هیچ بی خِرَدی ولیکن من پیغامبرم ازجانب پروردگار عالمها (٦٧) .

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾

میرسانم بشما پیغام های پروردگار خودمن برای شما نیك خواه باامانتم (٦٨) .

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ
لِيُنذِرَكُمْ ۚ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ
قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً ۖ فَاذْكُرُوا آلَاءَ
اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾

ایا تعجب کردیدازآنکه بشماپندی آمد ازجانب پروردگار شما برمردی ازشما تابیم کندشمارا ویادکنیدآن وقت که گردانید شمارا جانشین بعدازقوم نوح وافزود برای شما درخلقت قوت را پس یادکنید نعمت های خدارا تاشمارستگار شوید (٦٩) .

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ
آبَاؤُنَا ۖ فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧٠﴾

گفتند آیاآمده ای پیش ماتاعبادت کنیم خدارا تنهاوبگذاریم آنچه می پرستیدند پدرانِ ماپس بیارپیش ما آنچه وعید می کنی[(١)] مارا اگرهستی ازراستگویان (٧٠) .

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ ۖ
أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَّا
نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ ۚ فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُم مِّنَ
الْمُنتَظِرِينَ ﴿٧١﴾

گفت ثابت شدبرشما ازجانب پروردگار شما عقوبت وخشم آیامکابره می کنید بامن درباره نامهائ چند که شما مقررکرده اید آن را و پدران شما مقرر کرده اند[(٢)] فرونیاورده است خدابرآن

(١) یعنی بیارعقوبت را .
(٢) یعنی بی اصل است .

هیچ دلیل پس انتظار کنیدهرآئینه من نیز همراه شما ازمنتظرانم (٧١) .

فَأَنجَيْنَٰهُ وَالَّذِينَ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِـَٔايَٰتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٧٢﴾

پس نجات دادیم اوراوکسانی را که بااوبودندبمهربانی ازجانب خویش وبریدیم بیخ آنانکه دروغ می پنداشتند آیاتِ ماراونه بودند ازمومنان (٧٢) .

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَٰلِحًا قَالَ يَٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا
لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥ قَدْ جَآءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ
هَٰذِهِۦ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ ءَايَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِىٓ
أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٣﴾

وفرستادیم بسوی قوم ثمود برادرایشان صالح را گفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست شماراهیچ معبودبرحق غیراو هرآئینه آمدبه شما دلیلی ازجانب پروردگار شما این ماده شتریست پیداکردهٔ خدا نشانه ای برای شماپس بگذاریدش که چرد درزمین خداومرسانید اورا هیچ بدی که آنگاه بگیرد شمارا عقوبتِ درد دهنده (٧٣) .

وَاذْكُرُوٓا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ
فِى الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ
الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوٓا ءَالَآءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِى الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ ﴿٧٤﴾

ویادکنید (نعمت الهی) آن وقت که گردانید شمارا جانشین بعدازقوم عاد واستقرار داد شمارا درزمین می سازید ازنرم آن کوشکها وتراشیده خانه ها می سازید کوه هارا پس یادکنید نعمت های خدارا وتباهی مکنید درزمین فسادافگنان (٧٤) .

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِۦ لِلَّذِينَ
اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَٰلِحًا
مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِۦ قَالُوٓا إِنَّا بِمَآ أُرْسِلَ بِهِۦ
مُؤْمِنُونَ ﴿٧٥﴾

گفتندآن اشراف که سرکشی کرده بودند ازقوم او آنانرا که هرکسی ضعیف دانست ایشان را مرکسانی را که ایمان آورده بودنداز ایشان آیامیدانید که صالح فرستاده شده است ازجانب پروردگار خودگفتند اهل ایمان هر آئینه مابشریعتی که وی فرستاده شده است بآن شریعت

معتقدانیم (٧٥) .

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ
كَافِرُونَ ﴿٧٦﴾

گفتند سرکشان هرآئینه ماباآنچه معتقد آن شدید کافرانیم (٧٦) .

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا
يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ
الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٧﴾

پس کشتندآن ماده شتررا وتجاوز کردند ازفرمان پروردگار خویش و گفتند ای صالح بیاربما آنچه وعیدمی کنی مارا اگر هستی ازپیغامبران (٧٧) .

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٧٨﴾

پس درگرفت ایشان رازلزله پس گشتند مرده بزانو افتاده درسرای خویش (٧٨) .

فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي
وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَٰكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ ﴿٧٩﴾

پس صالح اعراض کردازایشان وگفت ای قوم من رسانیدم به شماپیغام پروردگار خود ونیك خواهی کردم برای شماولیکن دوست نمی داریدنیك خواهی کنندگان را (٧٩) .

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ
بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾

فرستادیم لوط راآن وقت که‌گفت بقوم خود آیا می کنید آن بی حیائی که پیش ازشما نکرده است آنرا هیچ کس ازعالمها (٨٠) .

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ ۚ
بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ﴿٨١﴾

هرآئینه شمامیروید بشهوت بسوی مردان بجز زنان بلکه شماگروه مُسرفانید (٨١) .

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ
مِنْ قَرْيَتِكُمْ ۖ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾

ونه بود جواب قوم او الّا آنکه گفتند بیرون کنید ایشان راازده خود هرآئینه ایشان مردم پاکیگی طلب کننده اند (٨٢) .

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ
مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٨٣﴾

پس نجات دادیم او را واهل خانه اورامگر زنش را که بودازباقی ماندگان درآنجا (٨٣) .

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُجْرِمِينَ ﴿٨٤﴾

وبارانیدم برایشان بارانی (یعنی از سنگ) پس بنگر چگونه بود آخر کارگناهگاران (٨٤) .

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۗ قَالَ يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥ ۖ قَدْ جَآءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ فَأَوْفُوا۟ ٱلْكَيْلَ وَٱلْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا۟ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَٰحِهَا ۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾

وفرستادیم بسوی قوم مدین برادرایشان شعیب راگفت ای قوم من به پرستیدخدارا نیست شمارا هیچ معبودبرحق بجزاو هرآئینه آمده است بشما دلیلی ازپروردگار شما پس تمام کنید پیمانه وترازو را وناقص مدهید بمردمان اشیای ایشان را وفسادمکنید درزمین بعد اصلاح آن این کارکه‌گفتیم بهترست شمارا اگر باوردارندگانید (٨٥) .

وَلَا تَقْعُدُوا۟ بِكُلِّ صِرَٰطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِهِۦ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا ۚ وَٱذْكُرُوٓا۟ إِذْ كُنتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ ۖ وَٱنظُرُوا۟ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾

ومنشینید بهرراه که بترسانید وبازدارید ازراهِ خدا کسی را که ایمان آورده است باو و مجوئید برای آن راه کجی ویادکنید آن وقت که شما اندك بودید پس بسیار گردانید شمارا وبنگرید چگونه شد آخرکار مفسدان (٨٦) .

وَإِن كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنكُمْ ءَامَنُوا۟ بِٱلَّذِىٓ أُرْسِلْتُ بِهِۦ وَطَآئِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا۟ فَٱصْبِرُوا۟ حَتَّىٰ يَحْكُمَ ٱللَّهُ بَيْنَنَا ۚ وَهُوَ خَيْرُ ٱلْحَٰكِمِينَ ﴿٨٧﴾

واگر هست گروهی ازشما مومن بآنچه فرستاده شدم بآن وگروهی نا مومن پس صبر کنید تاآنکه فیصله کند خدا درمیانِ ما واوبهترین حکم کنندگان است[1] (٨٧) .

قَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوا۟ مِن قَوْمِهِۦ لَنُخْرِجَنَّكَ يَٰشُعَيْبُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَآ أَوْ لَتَعُودُنَّ فِى مِلَّتِنَا ۚ قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَٰرِهِينَ ﴿٨٨﴾

گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند ازقوم او البته بیرون کنیم ترا ای شعیب وکسانی راکه همراه توایمان آوردند ازدِه خود یااین که بازگردید دردین ما گفت آیا عودکنیم اگر چه

(١) یعنی واجب آن بود که همه متفق میشدند برایمان وچون متفق نه شدندمنتظر فیصله کردن باشند والله اعلم .

ماناخواهان باشیم (۸۸) .

قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجّٰىنَا
اللهُ مِنْهَا ۚ وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللهُ رَبُّنَا ۚ
وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۚ عَلَى اللهِ تَوَكَّلْنَا ۚ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا
وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفٰتِحِينَ ﴿٨٩﴾

هرآئینه بربسته باشیم برخدا دروغی اگر بازگردیم در دین شما بعد ازآنکه بَرهانید خدا ماراازوی وهرگزلائق نیست ماراکه عودکنیم درآن مگرآنکه خواهد خدا پروردگارما احاطه کرده است پروردگارما بهمه چیزازروی دانش برخدا توکل کردیم ای پروردگارما فیصله کن درمیانِ ماودرمیان قوم مابراستی و توبهترین فیصله کنندگانی (۸۹) .

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا
إِنَّكُمْ إِذًا لَّخٰسِرُونَ ﴿٩٠﴾

وگفتند آن اشراف که کافربودند ازقوم او بیارانِ خود اگر متابعت کنید شعیب را هرآئینه شماآنهنگام زیان کارباشید (۹۰) .

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جٰثِمِينَ ﴿٩١﴾

پس درگرفت ایشان رازلزله پس صبح کردند درسرای خویش مرده برزانوافتاده (۹۱) .

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۚ الَّذِينَ كَذَّبُوا
شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخٰسِرِينَ ﴿٩٢﴾

آنانکه دروغگوپنداشتند شعیب را گویا نبودند آنجا، آنانکه دروغگوپنداشتند شعیب را ایشان بودند زیان کار (۹۲) .

فَتَوَلّٰى عَنْهُمْ وَقَالَ يٰقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسٰلٰتِ رَبِّي
وَنَصَحْتُ لَكُمْ ۚ فَكَيْفَ آسٰى عَلَى قَوْمٍ كٰفِرِينَ ﴿٩٣﴾

پس روگردانید ازایشان وگفت ای قوم من رسانیدم به شما پیغام های پروردگار خود و نیك خواهی کردم برای شما پس چگونه اندوه خورم برقوم کافران (۹۳) .

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ
وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ﴿٩٤﴾

ونه فرستادیم درهیچ دیهی پیغامبری را مگرگرفتارکردیم اهل آنرا به سختی ورنج تا(بُوَد) که ایشان زاری کنند(۹٤) .

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتّٰى عَفَوْا وَّقَالُوا قَدْ مَسَّ
آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنٰهُمْ بَغْتَةً وَّهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩٥﴾

بازدادیم بایشان بجای محنت راحت را تاآنکه بسیارشدندوگفتند هرآئینه رسیده بودپدران مارا سختی

وراحت[(١)] پس گرفتیم ایشان را ناگهان وایشان خبر نه داشتند (٩٥) .

وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرٰٓى اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكٰتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ وَلٰكِنْ كَذَّبُوْا فَاَخَذْنٰهُمْ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٩٦﴾

وا گراهلِ ده ها ایمان آوردندی وپرهیزگاری کردندی هرآئینه می کشادیم برایشان برکت هااز آسمان و زمین ولیکن به دروغ نسبت کردند پس گرفتیم ایشان را به وبال آنچه میکردند (٩٦) .

اَفَاَمِنَ اَهْلُ الْقُرٰٓى اَنْ يَّاْتِيَهُمْ بَاْسُنَا بَيَاتًا وَّهُمْ نَآئِمُوْنَ ﴿٩٧﴾

آیاایمن شدند اهلِ ده ها ازآنکه بیاید عذاب مابایشان شبانگاه و ایشان خفته باشند (٩٧) .

اَوَاَمِنَ اَهْلُ الْقُرٰٓى اَنْ يَّاْتِيَهُمْ بَاْسُنَا ضُحًى وَّهُمْ يَلْعَبُوْنَ ﴿٩٨﴾

آیاایمن شدند اهلِ ده ها ازآنکه بیاید بایشان عذاب ماوقت چاشت وایشان بازی میکنند(٩٨) .

اَفَاَمِنُوْا مَكْرَ اللّٰهِ ۚ فَلَا يَاْمَنُ مَكْرَ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿٩٩﴾

آیاایمن شدندازمکرخدا[(٢)] پس ایمن نمی شوندازمکر خدا مگر گروه زیان کاران (٩٩) .

اَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِيْنَ يَرِثُوْنَ الْاَرْضَ مِنْ بَعْدِ اَهْلِهَآ اَنْ لَّوْ نَشَآءُ اَصَبْنٰهُمْ بِذُنُوْبِهِمْ ۚ وَنَطْبَعُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُوْنَ ﴿١٠٠﴾

آیا واضح نه شد برآنانکه وارث زمین می شوند بعد از هلاك ساکنان آن زمین که ا گر خواستمی عقوبت رسانیدمی ایشان را بسبب گناهان ایشان ومُهرمی نهیم بردل های ایشان پس ایشان نمی شنوند (١٠٠) .

تِلْكَ الْقُرٰى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ اَنْۢبَآئِهَا ۚ وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ ۚ فَمَا كَانُوْا لِيُؤْمِنُوْا بِمَا كَذَّبُوْا مِنْ قَبْلُ ۚ

این دِه هارااذکر می کنیم پیش تو بعض ازخبرهایشان وهرآئینه آمده بودند باهل

(١) یعنی عادت زمان است که گاهی سختی و گاهی راحت می باشداز باب مؤاخذه براعمال نه بُوَد والله اعلم .

(٢) یعنی ازتدبیراهلاك والله اعلم .

كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿١٠١﴾

آنها پیغمبران ایشان بامعجزه ها پس هرگز ایمان نیاوردند بآنچه تکذیب کرده بودند پیش ازآن همچنین مُهرمی نهد خدا بردل های کافران (١٠١) .

وَمَا وَجَدْنَا لِاَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ ۚ وَاِنْ وَّجَدْنَآ اَكْثَرَهُمْ لَفٰسِقِيْنَ ﴿١٠٢﴾

ونه یافتیم دراکثرایشان وفابعهد وهرآئینه یافتیم اکثرایشان رابدکار (١٠٢) .

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُّوْسٰى بِاٰيٰتِنَآ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ فَظَلَمُوْا بِهَا ۚ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿١٠٣﴾

باز فرستادیم بعد ایشان موسیٰ را به نشانه های خویش بسوی فرعون وقوم او پس کافر شدند بآن نشانه ها پس بنگرچگونه بود آخرکار مفسدان (١٠٣) .

وَقَالَ مُوْسٰى يٰفِرْعَوْنُ اِنِّيْ رَسُوْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٠٤﴾

و گفت موسیٰ ای فرعون هرآئینه من پیغامبرم ازجانب پروردگار عالمها (١٠٤) .

حَقِيْقٌ عَلٰٓى اَنْ لَّآ اَقُوْلَ عَلَى اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ ۗ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاَرْسِلْ مَعِيَ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ﴿١٠٥﴾

سزاوارم بآنکه نه گویم بر خدامگر سخن راست ، آورده ام به شما نشانه ازجانب پروردگار شما پس بفرست بامن بنی اسرائیل را (١٠٥) .

قَالَ اِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِاٰيَةٍ فَاْتِ بِهَآ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿١٠٦﴾

گفت ا گرآورده ای معجزه پس حاضرکن آن را ا گرهستی ازراست گویان (١٠٦) .

فَاَلْقٰى عَصَاهُ فَاِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِيْنٌ ﴿١٠٧﴾

پس انداخت عصای خودرا پس نا گهان آن عصا اژدهائ ظاهر شد (١٠٧) .

وَّنَزَعَ يَدَهٗ فَاِذَا هِيَ بَيْضَآءُ لِلنّٰظِرِيْنَ ﴿١٠٨﴾

وبیرون آورددست خودراپس نا گهان آن دست نورانی شد برای بینندگان (١٠٨) .

قَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ عَلِيْمٌ ﴿١٠٩﴾

گفتند اشراف ازقوم فرعون بایکدیگر هرآئینه این شخص ساحرداناست (١٠٩) .

يُّرِيْدُ اَنْ يُّخْرِجَكُمْ مِّنْ اَرْضِكُمْ ۚ فَمَاذَا تَاْمُرُوْنَ ﴿١١٠﴾

می خواهد که بیرون کند شمارا اززمین شما پس چه می فرمائید (١١٠) .

قَالُوْٓا اَرْجِهْ وَاَخَاهُ وَاَرْسِلْ فِي الْمَدَآئِنِ حٰشِرِيْنَ ﴿١١١﴾

گفتند ای فرعون موقوف داراورا وبرادر اورا و بفرست در شهرها نقیبان را (١١١) .

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سٰحِرٍ عَلِيمٍ ﴿١١٢﴾

تابیارندپیش توهرساحر دانارا (١١٢) .

وَجَآءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوٓا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ
الْغٰلِبِينَ ﴿١١٣﴾

وآمدند ساحران پیش فرعونگفتند هرآئینه مارا مزدی می باید اگر غالب شویم (١١٣) .

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿١١٤﴾

گفت آری وهرآئینه شما ازمقربان باشید (١١٤) .

قَالُوا يٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّآ أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿١١٥﴾

گفتند ای موسیٰ یااین است که نخست توافگنی یاماباشیم اندازنده (١١٥) .

قَالَ أَلْقُوا ۚ فَلَمَّآ أَلْقَوْا سَحَرُوٓا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ
وَجَآءُو بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ﴿١١٦﴾

گفت موسیٰ شما افگنید پس آن هنگام که افگندند بجادو بستند چشم های مردمان را و بترسانیدند ایشان را وآوردند جادوئ بزرگ را(١١٦) .

وَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۖ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ
مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٧﴾

ووحی فرستادیم بسوی موسیٰ که بیفگن عصای خودرا پس ناگهان آن عصافرومی بردآنچه بدروغ اظهار میکردند (١١٧) .

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾

پس ثابت شد حق وباطل شدآنچه می کردند (١١٨) .

فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صٰغِرِينَ ﴿١١٩﴾

پس قوم فرعون مغلوب شدند آنجاوخوار گشتند (١١٩) .

وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سٰجِدِينَ ﴿١٢٠﴾

وانداخته شدند ساحران سجده کنان (١٢٠) .

قَالُوٓا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿١٢١﴾

گفتند ایمان آوردیم به پروردگار عالمها (١٢١) .

رَبِّ مُوسَىٰ وَهٰرُونَ ﴿١٢٢﴾

پروردگار موسیٰ وهارون (١٢٢) .

قَالَ فِرْعَوْنُ ءَامَنْتُمْ بِهِۦ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ ۖ إِنَّ هٰذَا
لَمَكْرٌ مَكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَآ أَهْلَهَا ۖ فَسَوْفَ
تَعْلَمُونَ ﴿١٢٣﴾

گفت فرعون آیاایمان آوردید بموسی پیش ازآنکه إجازت دهم شمارا هرآئینه این تدبیریست که اندیشیده ایدآنرا درشهرتابیرون کنید ازین شهر ساکنان آنرا پس خواهید دانست (١٢٣) .

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٢٤﴾

البته ببُرَم دست های شمارا وپاهای شمارا بخلاف یکدیگر[1] بازبردارکشم شمارا همه یك جا (١٢٤) .

قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ﴿١٢٥﴾

گفتند هرآئینه مابسوی پروردگار خودرجوع کنندگانیم (١٢٥) .

وَمَا تَنقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا ۚ رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ ﴿١٢٦﴾

وانکارنمی کنی برما مگرآنکه ایمان آوردیم به نشانه های پروردگار خویش چون بیامدبما ای پروردگارمابریزبرما شکیبائی و قبض ارواح ماکن درحالیکه مسلمان باشیم (١٢٦) .

وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ ۚ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿١٢٧﴾

وگفتند اشراف از قوم فرعون آیامی‌گذاری موسیٰ وقوم اورا تافسادکنند درزمین و تابگذاردعبادت ترا ومعبودان ترا گفت خواهیم کشت پسران بنی اسرائیل را و زنده خواهیم‌گذاشت دختران ایشانرا ومابرایشان غالبانیم (١٢٧) .

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا ۖ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾

گفت موسیٰ بقوم خود مددطلبید ازخدا وصبرکنید هرآئینه زمین خداراست اووارث می کند هرکراخواهد ازبندگان خویش وسرانجام خوب برای پرهیزگاران است (١٢٨) .

قَالُوا أُوذِينَا مِن قَبْلِ أَن تَأْتِيَنَا وَمِن بَعْدِ مَا جِئْتَنَا ۚ قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٢٩﴾

گفتند ایذا داده شدیم پیش ازآنکه بیائی نزدیك ماو بعدازآنکه آمدی نزدیك ما گفت امید است که پروردگار شما هلاك کنددشمن شمارا وخلیفه گرداند شمارا درزمین پس بنگرد چگونه عمل می

---

(١) یعنی دست راست وپای چپ والله اعلم .

کنید (۱۲۹) .

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ
الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣٠﴾

وهرآئینه گرفتارکردیم کسان فرعون را بقحط ها وبه نقصان میوه ها تاشود که ایشان پندپذیرند (۱۳۰) .

فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَٰذِهِ ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ
يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُ ۗ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِندَ اللَّهِ
وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣١﴾

پس چون آمدی بایشان فراخی گفتندی این لائق ماست وا گربرسیدی بایشان سختی شگون بدگرفتندی موسیٰ وکسانیکه باوی بودند آ گاه باش جزاین نیست که شگون بدایشان نزدیك خداست ولیکن بیشتر ازایشان نمی دانند[۱] (۱۳۱) .

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ
لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾

و گفتند کسان فرعون ای موسیٰ هرچه بیاری آن رااازنشانه ها تاسحرکنی مارابدان پس مانیستیم ترا باوردارنده (۱۳۲) .

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ
وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا
قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿١٣٣﴾

پس فرستادیم برایشان طوفان وملخ و کنه (شپش) وغوکها (قورباغها) وخون نشانه های واضح کرده شده پس سرکشی کردند وبودندقوم گناهگاران (۱۳۳) .

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا
عَهِدَ عِندَكَ ۖ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ
وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٣٤﴾

ووقتیکه فرودآمد برایشان عقوبت گفتند ای موسیٰ دعاکن بجناب پروردگار خودبآن اسماء وادعیه که وحی کرده است نزدیك توا گرزائل کنی ازما عقوبت رااالبته معتقد شویم تراو به فرستیم باتو بنی اسرائیل را (۱۳٤) .

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُم بَالِغُوهُ إِذَا
هُمْ يَنكُثُونَ ﴿١٣٥﴾

پس چون زائل کردیم ازایشان عقوبت راتامدتی که ایشان رسندگانند بآن نا گهان عهدمی شکستند (۱۳۵) .

---

(۱) یعنی مؤاخذه اعمال برایشان است والله اعلم .

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنٰهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غٰفِلِيْنَ ﴿١٣٦﴾

پس انتقام‌گرفتیم ازایشان پس غرق کردیم ایشان را در دریا بسبب آنکه ایشان دروغ می‌پنداشتند آیاتِ ماراوبودند ازآن بی خبر (١٣٦) .

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِيْنَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُوْنَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بٰرَكْنَا فِيْهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنٰى عَلٰى بَنِيْٓ إِسْرَآءِيْلَ ۙ بِمَا صَبَرُوْا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهٗ وَمَا كَانُوْا يَعْرِشُوْنَ ﴿١٣٧﴾

ومیراث دادیم گروهی را که ضعیف شمرده می شدند مشارق ومغارب زمینی که برکت نهادیم درآن[1] راست شدوعدهٔ نیك پروردگارتو بربنی اسرائیل بسبب آنکه صبرکردند وخراب کردیم آنچه ساخته بود فرعون وکسان او وآنچه برمی افراشتند (١٣٧) .

وَجٰوَزْنَا بِبَنِيْٓ إِسْرَآءِيْلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلٰى قَوْمٍ يَّعْكُفُوْنَ عَلٰٓى أَصْنَامٍ لَّهُمْ ۚ قَالُوْا يٰمُوْسَى اجْعَلْ لَّنَآ إِلٰهًا كَمَا لَهُمْ اٰلِهَةٌ ۚ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُوْنَ ﴿١٣٨﴾

وگذرانیدیم بنی اسرائیل را ازدریا پس آمدند برگروهی که مجاورت می کردند بربتان خویش گفتند (بنی اسرائیل) ای موسیٰ بسازبرای مامعبودی چنانکه ایشان را هستند معبودان‌گفت هرآئینه شما گروهی هستید که نادانی می کنید (١٣٨) .

إِنَّ هٰٓؤُلَآءِ مُتَبَّرٌ مَّا هُمْ فِيْهِ وَبٰطِلٌ مَّا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٣٩﴾

هرآئینه این جماعت باطل کرده شده است مذهبی که ایشان درآنند وباطل است آنچه میکردند (١٣٩) .

قَالَ أَغَيْرَ اللّٰهِ أَبْغِيْكُمْ إِلٰهًا وَّهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٤٠﴾

گفت موسیٰ آیاغیرخدا طلب کنم برای شما معبودی واوفضل داده است شمارا بر عالمها (١٤٠) .

وَإِذْ أَنْجَيْنٰكُمْ مِّنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُوْمُوْنَكُمْ سُوْٓءَ الْعَذَابِ ۚ يُقَتِّلُوْنَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُوْنَ نِسَآءَكُمْ ۚ وَفِيْ ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَظِيْمٌ ﴿١٤١﴾

ویادکنید نعمتِ ما چون نجات دادیم شمارا ازکسان فرعون می رسانیدند به شما عقوبتِ سخت می کشتند پسران شمارا وزنده می‌گذاشتند دختران شمارا

(١) یعنی زمین شام بایشان دادیم چه بقعه های شرقیه وچه بقعه های غربیه والله اعلم.

ودرین مقدمه آزمایش بزرگ بود ازجانب
پروردگارشما (١٤١) .

وَوٰعَدْنَا مُوسٰى ثَلٰثِيْنَ لَيْلَةً وَّاَتْمَمْنٰهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ
مِيْقَاتُ رَبِّهٖٓ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً ۚ وَقَالَ مُوسٰى لِاَخِيْهِ
هٰرُوْنَ اخْلُفْنِيْ فِيْ قَوْمِيْ وَاَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيْلَ
الْمُفْسِدِيْنَ ﴿١٤٢﴾

ووعده کردیم باموسیٰ سی (٣٠) شب
وتمام کردیم آن میعاد را بده شب پس
کامل شدمیعاد پروردگار اوچهل شب و
گفت موسیٰ به برادرخود هارون جانشین
من باش درقوم من وصلاح کاری کن
وپیروی منما راه تباه کاران را (١٤٢) .

وَلَمَّا جَآءَ مُوسٰى لِمِيْقَاتِنَا وَكَلَّمَهٗ رَبُّهٗ ۙ قَالَ رَبِّ اَرِنِيْٓ
اَنْظُرْ اِلَيْكَ ۗ قَالَ لَنْ تَرٰىنِيْ وَلٰكِنِ انْظُرْ اِلَى الْجَبَلِ
فَاِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهٗ فَسَوْفَ تَرٰىنِيْ ۚ فَلَمَّا تَجَلّٰى رَبُّهٗ
لِلْجَبَلِ جَعَلَهٗ دَكًّا وَّخَرَّ مُوسٰى صَعِقًا ۚ فَلَمَّآ اَفَاقَ
قَالَ سُبْحٰنَكَ تُبْتُ اِلَيْكَ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١٤٣﴾

وچون آمدموسیٰ بوعده‌گاه ما وسخن‌گفت
بااوپروردگار او گفت ای پروردگار من
بنمابمن خویشتن را تانظرکنم بسوی تو
گفت خدا نخواهی دیدمراولیکن نظر کن
بسوی کوه پس اگر قرارگیرد بجای
خودخواهی دیدمراپس وقتیکه ظهور کرد
پروردگار او برآن کوه‌گردانید آن کوه را
زمین هموار ساخته وافتاد موسیٰ بی هوش
شده پس چون به هوش آمدگفت به پاکی
یادمی کنم ترابازگشتم بسوی تو ومن اول
مسلمانانم (١٤٣) .

قَالَ يٰمُوسٰٓى اِنِّى اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسٰلٰتِيْ وَ
بِكَلَامِيْ ۖ فَخُذْ مَآ اٰتَيْتُكَ وَكُنْ مِّنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿١٤٤﴾

گفت ای موسیٰ هرآئینه من برگزیدم ترا بر
مردمان به پیغام های خودوبه شنوانیدن
سخن خودپس بگیرآنچه عطا کردم
تراوباش ازشکر کنندگان (١٤٤) .

وَكَتَبْنَا لَهٗ فِى الْاَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَّتَفْصِيْلًا
لِّكُلِّ شَيْءٍ ۚ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَّاْمُرْ قَوْمَكَ يَاْخُذُوْا
بِاَحْسَنِهَا ۗ سَاُورِيْكُمْ دَارَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿١٤٥﴾

ونوشتیم برای موسیٰ درلوح ها ازهرجنس
برای پند وبرای بیان هرچیز پس گفتیم
بگیرآنرابه قوت وبفرماقوم خودرا تاعمل
کنند به بهترین آنچه دروست[١] خواهم

---

(١) یعنی بعزیمت دادن رخصت والله اعلم .

نمودشمارا سرای گناه گاران[١] (١٤٥).

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٤٦﴾

بازخواهم داشت ازتأمل در آیاتِ خودکسانی را که تکبر می کننددرزمین ناحق وا گربه ببینند هرنشانه که هست ایمان نیارند وا گر ببینند راه راستی راه نگیرند آن را وا گر ببینند راه گمراهی را راه گیرند آن را این به سبب آن است که ایشان دروغ پنداشتند آیاتِ مارا وازآن غافل ماندند (١٤٦).

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٧﴾

وکسانی که دروغ پنداشتند آیاتِ مارا ودروغ پنداشتند ملاقات آخرت را نابود شدعمل های ایشان جزاداده نه شوند الاّ بآنچه می کردند (١٤٧).

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ﴿١٤٨﴾

وساختند قوم موسیٰ بعد رفتنش اززیور قبطیان گوساله بدنی که اورا آواز گاو بود آیاندیدندکه آن گوساله بایشان هیچ سخن نمی گفت ودلالت نمی کرد ایشان را به هیچ راه معبود گرفتند آن را وایشان ستمگاربودند (١٤٨).

وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾

وچون نادم شدند ودیدند که ایشان گمراه شدند گفتند ا گر مهربانی نکند برما پروردگارما ونیامرزد مارا البته باشیم اززیان کاران (١٤٩).

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ

وچون بازآمد موسیٰ بسوی قوم خود خشمناك شده اندوهگین گشته گفت بد جانشینی است جانشینی که کردید پس

---

(١) یعنی منازل فرعونیان خراب شده خواهید دید .

وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۚ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ
اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ
وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١٥٠﴾

ازمن آیاشتاب کردیدازحکم پروردگار خویش وانداخت الواح را وگرفت موسیٰ سربرادر خودرا می کشیدش بسوی خود گفت هارون ای پسرمادر من هرآئینه این قوم ضعیف شمردند مرا ونزدیك بودند که بکشند مرا پس شادمکن بسبب اهانت من دشمنان را وشمارمکن مرا با گروه ستمگاران (١٥٠) .

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ ۖ وَأَنْتَ
أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾

گفت موسیٰ ای پروردگار من بیامرزمرا وبرادر مرا وداخل کن مارا دربخشایش خود وتوبخشاینده ترین بخشایندگانی (١٥١) .

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾

هرآئینه کسانی که معبودگرفتند گوساله را خواهد رسید باین جماعت خشمی از پروردگار ایشان ورسوائی درحیات دنیا وهم چنین جزامی دهیم افترا کنندگان را (١٥٢) .

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا
إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥٣﴾

وهرآئینه کسانی که گناه هاکردند بازتوبه نمودند بعد ازآن گناهان وایمان آوردند البته پروردگار توبعدازتوبه آمرزنده مهربان ست (١٥٣) .

وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ ۖ وَفِي نُسْخَتِهَا
هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٤﴾

وچون ساکن شد خشم ازخاطر موسیٰ گرفت الواح را ودرمکتوب وی هدایت بود و بخشائش آنان را که ایشان از پروردگار خودمی ترسند (١٥٤) .

وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا ۖ فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ
الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ ۖ أَتُهْلِكُنَا

واختیار کرد موسیٰ ازقوم خود هفتادکس برای میعادما[1] پس وقتیکه گرفت ایشان

(١) یعنی تاعذرگویندازعبادت گوساله واین جماعت اگرچه عبادت نکرده بودند =

بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا ۚ إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ
تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ ۖ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا
وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٥﴾

رازلزله گفت موسیٰ ای پروردگار من اگر می خواستی پیش ازین ایشان را ومرا هلاك می کردی[۱] آیاهلاك می کنی مارا بجزای آنچه کردند بی خردان ازقوم مانیست این حادثه مگرامتحان تو گمراه می کنی بآن هرکراخواهی و راه می نمائی بآن هرکراخواهی توکارساز مائی پس بیامرز مارا ومهربانی کن برما وتوبهترین آمرزندگانی (١٥٥) .

وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا
هُدْنَا إِلَيْكَ ۚ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ ۖ وَرَحْمَتِي
وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ۚ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾

وبنویس (یعنی مقدرکن) برای ما درین دنیا نیکی ودرآخرت نیزنیکی هرآئینه ما رجوع کردیم بسوی تو گفت خداعذاب من می رسانمش بهرکه خواهم ومهربانی من احاطه کرده است هرچیزرا پس خواهم نوشت (رحمت کامله خودرا)[۲] برای کسانیکه پرهیزگاری میکنند وزکوٰة میدهند و کسانیکه ایشان بآیاتِ مامعتقد می شوند[۳] (١٥٦) .

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي
يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ
يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ

(خواهم نوشت رحمت اخرویه) برای آنانکه پیروی می کنند آن پیغامبررا که نبی امی است آنکه می یابند نعت اونوشته نزدیك خویش درتورات وانجیل می

= برعبادت کنندگان انکار هم نکردند پس خدای تعالی هلاك ساخت والله اعلم.

(۱) یعنی اگر در بنی اسرائیل هلاك می شدند تهمت قتل برموسیٰ نه نهادندی والله اعلم .

(۲) یعنی درآخرت .

(۳) یعنی فساکتبهاآنست که درآخرزمان رحمت خاص باشد بمتابعان نبی امی والله اعلم .

لَهُمُ الطَّيِّبٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ
إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلٰلَ الَّتِيْ كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالَّذِيْنَ
اٰمَنُوْا بِهٖ وَعَزَّرُوْهُ وَنَصَرُوْهُ وَاتَّبَعُوا النُّوْرَ
الَّذِيْٓ أُنْزِلَ مَعَهٗٓ ۙ أُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿١٥٧﴾

فرماید ایشان را بکارپسندیده ومنع می کند ایشان راازناپسندیده و حلال می سازدبرای ایشان پاکیزه هارا وحرام می کند برایشان ناپاکیزه هارا وساقط می کندازایشان بار گرانِ ایشان را وآن مشقت هارا که بود برایشان پس آنانکه ایمان آوردند باووتعظیم کردند اوراویاری دادند اوراوپیروی کردند نوری را که همراه وی نازل کرده شده است ایشانندرستگاران[1] (١٥٧) .

قُلْ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ إِلَيْكُمْ جَمِيْعًا
الَّذِيْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۚ لَآ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيٖ
وَيُمِيْتُ ۖ فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِيْ
يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَكَلِمٰتِهٖ وَاتَّبِعُوْهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ ﴿١٥٨﴾

بگو ای مردمان هرآئینه من پیغامبر خدایم بسوی شماهمه یکجا، آن خدااوراست پادشاهی آسمان ها وزمین نیست هیچ معبود برحق مگر اوزنده می کندومی میراند پس ایمان آرید به خدا وبه پیغامبر اوکه نبی امی است آنکه تصدیق می نماید خدارا وسخنان اورا وپیروی کنید اوراتابُوَد که شما راه یاب شوید (١٥٨) .

وَمِنْ قَوْمِ مُوْسٰٓى أُمَّةٌ يَّهْدُوْنَ بِالْحَقِّ وَبِهٖ
يَعْدِلُوْنَ ﴿١٥٩﴾

وازقوم موسیٰ گروهی هست که دلالت می کنند مردمان را براه راست و براستی حکم می کنند (١٥٩) .

وَقَطَّعْنٰهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا ۚ وَأَوْحَيْنَآ إِلٰى
مُوْسٰٓى إِذِ اسْتَسْقٰىهُ قَوْمُهٗٓ أَنِ اضْرِبْ بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ ۚ
فَانْۢبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۚ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ

ومتفرق ساختیم بنی اسرائیل رابه دوازده قسم قبیله قبیله گروه گروه و وحی فرستادیم بسوی موسیٰ وقتی که آب

(١) مترجم گوید بشارت دادن خدای تعالی حضرت موسیٰ راوبه امت مرحومه اول دلیل است برنبوت آنحضرت ولهذامی فرماید والله اعلم .

مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ
الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى كُلُوا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ
وَمَا ظَلَمُونَا وَلٰكِنْ كَانُوٓا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٠﴾

خواستند ازوی قوم وی که بزن بعصای خود سنگ را پس روان شد ازآن سنگ دوازده چشمه بدانست هر گروهی آب خور خودرا وسایبان ساختیم برایشان ابررا ونازل کردیم برایشان من و سلوی راگفتیم بخورید ازپاکیزه های آنچه روزی داده ایم شمارا وایشان برماستم نکردند ولیکن بر خویشتن ستم می کردند (١٦٠).

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هٰذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا
حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا
نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيٓئٰتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٦١﴾

ویادکن چون گفته شدایشان را که ساکن شوید درین دیه وبخورید ازین دیه هرجاکه خواسته باشید وبگوئید حطه وداخل شوید به دروازه سجده کنان تابیامرزیم برای شماگناهان شمارا زیاده خواهیم دادنکوکاران را (١٦١).

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ
لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا
كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٦٢﴾

پس بدل کردند ستمگاران ازبنی اسرائیل سخنی غیر آنچه فرموده شدایشان را پس فرستادیم برایشان عقوبتی ازآسمان بسبب آنکه ستم می کردند (١٦٢).

وَسْئَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ
الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ
يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ
كَذٰلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٣﴾

وسوال کن (یا محمد) یهودرا ازحال دیهی که بود ساکن برلب دریاچون ازحدمی گذشتند درروزشنبه وقتیکه می آمد ماهیان به ایشان ظاهر شده روزیکه ایشان به تعظیم شنبه مشغول می شدند وروزیکه تعظیم شنبه نمی کردند نمی آمدندایشان راهمچنین آزمودیم ایشان را بسبب آنکه فسق میکردند[1] (١٦٣).

---

(١) مترجم‌گوید اهل دیه سه قسم بودند قسمی شکار میکردند وقسمی ازآن نهی می=

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا ۙ اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٤﴾

ویادکن چون گفت گروهی ازاهل آن دیه[١] چراپندمیدهید گروهی را که خدای تعالی هلاك خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کردایشان را عذاب سخت گفتند تاماراعذری باشدنزدیك پروردگار شماوتاباشد که ایشان پرهیزگاری کنند (١٦٤) .

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٥﴾

پس وقتی که فراموش کردند آنچه بآن پندداده شدایشانرا نجات دادیم کسانی را که منع میکردند ازکار بد وگرفتار کردیم ستمگاران را به عذاب سخت به سبب آنکه فاسق بودند (١٦٥) .

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٦﴾

پس چون تکبر کردند ازترك آنچه منع کرده شدایشان راازآن گفتیم ایشانرا شوید بوزینگان خوارشده (١٦٦) .

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۗ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ ۖ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٧﴾

ویادکن چون آگاه گردانید پروردگارتو[٢] که البته بفرستدبرایشان تاروزقیامت کسی راکه برساند بایشان عقوبتِ سخت هرآئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هرآئینه اوآمرزنده مهربان است[٣] (١٦٧) .

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا ۖ مِّنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَٰلِكَ ۖ وَبَلَوْنَاهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٦٨﴾

وپراگنده کردیم بنی اسرائیل را درزمین گروه گروه بعض ازایشان شائسته کارانند وبعض ازایشان سوای اینند وامتحان

= کردند وقسمی نه شکارمی کردند ونه ازآن منع میکردند والله اعلم .

(١) یعنی قسم ثالث نهی کنندگان را والله اعلم .

(٢) یعنی بنی اسرائیل را .

(٣) بعدازین هیچ پادشاهی دربنی اسرائیل پیدانشده، همیشه لگدکوب پادشاهان اسلام ونصاریٰ ومجوس می بودند والله اعلم .

کردیم ایشانرا به نعمت هاومشقت ها تابازگردند یعنی بسوی راه راست (۱۶۸) .

فَخَلَفَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَّرِثُوا الْكِتٰبَ يَاْخُذُوْنَ عَرَضَ هٰذَا الْاَدْنٰى وَيَقُوْلُوْنَ سَيُغْفَرُ لَنَا ۚ وَاِنْ يَّاْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهٗ يَاْخُذُوْهُ ۗ اَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِّيْثَاقُ الْكِتٰبِ اَنْ لَّا يَقُوْلُوْا عَلَى اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوْا مَا فِيْهِ ۗ وَالدَّارُ الْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ يَتَّقُوْنَ ۗ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿۱۶۹﴾

پس ازپی درآمدند بعد ازایشان جانشینان بدکه وارث تورات شدند[۱] اختیارمی کنند متاع این عالم خسیس را ومی‌گویند آمرزیده خواهد شدبرای ما و اگر بیاید متاعی مانند آن البته بگیرندآن را[۲] آیا گرفته نه شده است برایشان آن عهد که در تورات است که نگویند برخدا مگرسخن راست وخوانده اند آنچه درتورات است و سرای آخرت بهتراست پرهیزگاران را آیا نمی فهمید (۱۶۹) .

وَالَّذِيْنَ يُمَسِّكُوْنَ بِالْكِتٰبِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ ۗ اِنَّا لَا نُضِيْعُ اَجْرَ الْمُصْلِحِيْنَ ﴿۱۷۰﴾

وآنانکه تمسك می کنند به کتاب وبرپاداشتند نمازرا هرآئینه ماضائع نمی سازیم مزداین نکوکاران را (۱۷۰) .

وَاِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَاَنَّهٗ ظُلَّةٌ وَّظَنُّوْٓا اَنَّهٗ وَاقِعٌۢ بِهِمْ ۚ خُذُوْا مَآ اٰتَيْنٰكُمْ بِقُوَّةٍ وَّاذْكُرُوْا مَا فِيْهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۱۷۱﴾

ویادکن چون برداشتیم کوه را بالای ایشان‌گویاوی سائبان است وگمان کردند که آن کوه خواهد افتاد برایشان گفتیم بگیریدآنچه دادیم شمارا بجدتمام ویادکنید آنچه دروست تابُوَدکه شما درپناه باشید از عذاب (۱۷۱) .

وَاِذْ اَخَذَ رَبُّكَ مِنْۢ بَنِيْٓ اٰدَمَ مِنْ ظُهُوْرِهِمْ

ویادکن چون‌گرفت پروردگار توازبنی آدم ازپشت ایشان اولاد ایشان را[۳] وگواه

---

(۱) یعنی احباربنی اسرائیل .

(۲) یعنی مصراندبراخذآن و غیر نادم اند ازان وتوبهٔ مصرغیر نادم صحیح نیست والله اعلم .

(۳) یعنی روزمیثاق ازآدم اولاد او را پیدا کرد از ایشان اولاد ایشانرا به ترتیبی که =

ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ
بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَآ أَن تَقُولُوا يَوْمَ
الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَـٰذَا غَافِلِينَ ﴿١٧٢﴾

گردانید ایشان را بر ذات ایشان گفت آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری هستی گواه شدیم، این شاهد گرفتن برای احتراز از آن است که بگوئید روز قیامت هرآئینه ما بی خبر بودیم ازین توحید (١٧٢) .

أَوْ تَقُولُوٓا إِنَّمَآ أَشْرَكَ ءَابَآؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنۢ
بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾

یا بگوئید که بجز این نیست که شرك آورده بودند پدران ما پیش از ما و ما نسلی بودیم آمده بعد از ایشان[1] آیا هلاك می کنی ما را به عقوبت آنچه بدكاران كردند (١٧٣) .

وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْأٓيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٧٤﴾

وهم چنین بیان می کنیم نشانه ها و تا باز گردند (١٧٤) .

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِىٓ ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا فَانسَلَخَ مِنْهَا
فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿١٧٥﴾

وبخوان بر ایشان خبر کسی که داده بودیم اورا علمِ آیاتِ خود پس بیرون رفت از علمِ آن آیات[2] پس در پی او شد شیطان پس گشت از گمراهان[3] (١٧٥) .

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَـٰكِنَّهُۥٓ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ
هَوَىٰهُ فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ
أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث ذَّٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا

و اگر می خواستیم برداشتمی اورا[4] به سبب این آیات ولیکن میل کرد بسوی پستی و پیروی خواهش خود کرد پس صفت او مانندِ صفت سگ ست اگر مشقت اندازی بروی[5] زبان از دهن

= درخارج متحقق شد والله اعلم .

(١) یعنی پس تقلید ایشان کردیم .

(٢) یعنی تابع شهوات نفس شد و تابع شهوات نفس را عالم نه توان گفت .

(٣) یعنی بلعم باعورکه کتب الهی خوانده بود بعد از آن باغوای زن خود ایذای حضرت موسیٰ علیه السلام قصد کرد و ملعون شد والله اعلم .

(٤) یعنی منزلت اورا .

(٥) یعنی بزدن ودوانیدن .

بِاٰيٰتِنَا ۚ فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ ﴿١٧٦﴾

بیرون افگند واگر بگذاری اورانیز بیرون افگند این صفتِ گروهیست که دروغ شمردند آیات مارا پس بخوان برایشان این پندهارا تاایشان تأمل کنند (١٧٦) .

سَآءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَاَنْفُسَهُمْ كَانُوْا
يَظْلِمُوْنَ ﴿١٧٧﴾

باعتبار صفت بَداند این قوم که دروغ شمردندآیاتِ مارا وبرخویشتن ستم می کردند (١٧٧) .

مَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِيْ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلْ فَاُولٰٓئِكَ
هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿١٧٨﴾

هرکه راخدا راه نمایدش پس همانست راه یابنده وهرکه‌گمراه سازدش پس آن جماعت ایشانند زیان کاران (١٧٨) .

وَلَقَدْ ذَرَاْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيْرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ ۖ لَهُمْ قُلُوْبٌ لَّا
يَفْقَهُوْنَ بِهَا ۡ وَلَهُمْ اَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُوْنَ بِهَا ۡ وَلَهُمْ اٰذَانٌ
لَّا يَسْمَعُوْنَ بِهَا ۭ اُولٰٓئِكَ كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ ۭ
اُولٰٓئِكَ هُمُ الْغٰفِلُوْنَ ﴿١٧٩﴾

وهرآئینه بیافریدیم برای دوزخ بسیاری ازجنیان وآدمیان، ایشانرا دلهااست که نمی فهمند بآن وایشان راچشم هااست که نمی بینند بآن وایشان راگوشها است که نمی شنوند بآن ایشان مانند چهارپایان اند بلکه ایشان‌گمراه ترانده، ایشانند بی خبران (١٧٩) .

وَلِلّٰهِ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوْهُ بِهَا ۠ وَذَرُوا الَّذِيْنَ يُلْحِدُوْنَ
فِيْٓ اَسْمَآئِهٖ ۭ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٨٠﴾

وخداراست نام های نیك پس بخوانید اورابآن نام ها وبگذارید آنانراکه کجروی می کنند درنام های خدا[١] داده خواهد شدمرایشان را جزای آنچه میکردند (١٨٠) .

وَمِمَّنْ خَلَقْنَآ اُمَّةٌ يَّهْدُوْنَ بِالْحَقِّ وَبِهٖ يَعْدِلُوْنَ ﴿١٨١﴾ ع

وازآن جماعت که پیداکرده ایم گروهی هست که دلالت می کنند بدین حق وبآن دین حق عدل می کنند (١٨١) .

وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ

وکسانیکه دروغ پنداشتند آیات مارا پایه

(١) یعنی ابو المسیح وابو الملائکه می‌گفتند .

لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٢﴾

پایه بکشیم ایشان را (تامحل هلاك) ازآنجا که ندانند (١٨٢) .

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾

ومهلت دهم ایشان را، هرآئینه تدبیرمن محکم است (١٨٣) .

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ
مُّبِينٌ ﴿١٨٤﴾

آیاتأمل نه کردند که نیست این هم نشین ایشانرا هیچ دیوانگی، نیست اومگربیم کننده آشکارا (١٨٤) .

أَوَلَمْ يَنظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِن
شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ
بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٥﴾

آیا نظر نکردند به پادشاهی خدا درآسمان ها و زمین ودرآنچه خدا پیدا کرده است ازهر چیز وآیانظر نه کردند درآن که شاید نزدیك شده باشداجل ایشان پس بکدام سخن بعد قرآن ایمان خواهند آورد (١٨٥) .

مَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ
يَعْمَهُونَ ﴿١٨٦﴾

هرکه گمراه سازدش خدا پس هیچ راه نماینده نیست اورا ومی‌گذارد ایشان را خدا در گمراهی خویش سرگردان شده (١٨٦) .

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ
رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ
إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ
وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾

سوال می کنندتراازقیامت که کی باشداستقراراو بگوجزاین نیست که علم قیامت نزدیك پروردگار من است پدید نیارد او را در وقت اومگر خدا، گران شده است[1] در آسمانها و زمین نیاید به شمامگر ناگهان سوال می کنند ترااز قیامت گویاتوکاوش کننده ای ازآن[2] بگوجزاین نیست که دانش اونزدیك

(١) یعنی مشکل شده است دانستن قیامت .
(٢) یعنی عالمی بآن .

خداست ولیکن بسیاری ازمردمان نمی دانند (۱۸۷) .

قُلْ لَّآ اَمْلِكُ لِنَفْسِيْ نَفْعًا وَّلَا ضَرًّا اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ ۗ وَلَوْ كُنْتُ اَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ ۚ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوْٓءُ ۚ اِنْ اَنَا اِلَّا نَذِيْرٌ وَّبَشِيْرٌ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿١٨٨﴾

بگو نمی توانم برای خود نفع رسانیدن ونه ضررکردن مگرآنچه خداخواسته است و اگرمن دانستمی علم غیب را هرآئینه بسیارجمع کردمی ازجنس منفعت ونه رسیدی بمن هیچ سختی، نیستم من مگر بیم کننده مژده دهنده برای‌گروهی که ایمان دارند (۱۸۸) .

هُوَ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ وَّجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ اِلَيْهَا ۚ فَلَمَّا تَغَشّٰىهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيْفًا فَمَرَّتْ بِهٖ ۚ فَلَمَّآ اَثْقَلَتْ دَّعَوَا اللّٰهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ اٰتَيْتَنَا صَالِحًا لَّنَكُوْنَنَّ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿١٨٩﴾

اوست آنکه پیداکردشمارا ازیك شخص وپیداکردازآن یك شخص زنش را تاآرام گیرد باوی[1] پس چون جماع کرد مردی با زن خودبارگرفت باری سبك پس آمدورفت کردبآن بارسبك بعد ازآن چون زن گران بارشد هردودعا کردند بجناب پروردگار خویش که اگر فرزندی شائسته به دهی ماراباشیم از شکر کننلگان (۱۸۹) .

فَلَمَّآ اٰتٰىهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهٗ شُرَكَآءَ فِيْمَآ اٰتٰىهُمَا ۚ فَتَعٰلَى اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿١٩٠﴾

پس چون دادخدای تعالی ایشان را فرزندی شائسته مقررکردند برای اوشریکان درآنچه داده بودبایشان پس بلند قدراست خداازآنچه شریك مقرر میکنند[2] (۱۹۰) .

---

(۱) "فلماتغشها" کلام علیحده است یعنی خدای تعالی آدم وحوا را پیدا کرد و ازایشان نسل بسیار پیدا آورد بعد ازآن تفصیل انتشار نسل می فرماید .

(۲) مترجم‌گوید این تصویراست حال آدمی را که نزدیك ثقل حمل نیت اخلاص درست کند وچون فرزند بوجودآیدآن را فراموش سازد ودر تسمیه اشراك کند منطبق برحال حواچنانکه درحدیث صحیح آمده که حواحامله شد شیطان بدلش=

أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿١٩١﴾

آیا این مشرکان شریك مقرر می کنند چیزیرا که هیچ نمی آفریند وخوداین شریکان آفریده می شوند (١٩١) .

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ ﴿١٩٢﴾

ونمی توانند برای پرستندگان خود یاری دادن ونه خودرا یاری می دهند (١٩٢) .

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ ۚ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنتُمْ صَامِتُونَ ﴿١٩٣﴾

وا گر بخوانیدبتان را بسوی راه هدایت پیروی نکنند شمارا(١) برابراست برشما آنکه دعوت کنید ایشان را یا خاموش باشیدای مشرکان (١٩٣) .

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ ۖ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾

هرآئینه کسانیکه عبادت می کنید ایشان را بجزخدا بندگانند مانند شما پس بخوانید ایشان را وباید که قبول کنند دعای شمارا ا گر راست گوهستید (١٩٤) .

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا ۖ أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا ۖ أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا ۖ أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۗ قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ ﴿١٩٥﴾

آیابتان را پاهاست که راه می روندبآن آیا ایشان را دست هااست که تناول میکنند بآن آیاایشان را چشم ها است که می بینند بآن آیاایشان را گوشهااست که می شنوندبآن بگوای مشرکان بخوانید شریکان خودرا بعدازآن تدبیر کنیددرحق من ومهلت مدهید مرا (١٩٥) .

إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ ۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿١٩٦﴾

هرآئینه کارسازمن خداست آنکه فرود آورد کتاب را واو کارسازی می

= وسواس انداخت وچون فرزند متولد شدنام او عبدالحارث مقررکرد وچون وجود جمیع قیود درامثال این مواضع ضرور نیست آدم ازلوث شرك مبراباشد واین آیت عصمت اورا مصادمت نکندکذافهمت وازینجا دانسته شد که شرك در تسمیه نوعیست از شرك چنانکه اهل زبان ماغلامِ فلان وعبدفلان نام می نهند.

(١) یعنی ا گر بگوئید بخورید یابیاشا میدهیچ کار نکنند .

کندنیکوکاران را (۱۹۶) .

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَآ
أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ ﴿١٩٧﴾

وآنانکه می خوانید ایشان را بجزخدا نمی توانند یاری دادن شمارا ونه خودرا یاری می دهند (۱۹۷) .

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ
وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾

واگر دعوت کنید ایشان رابسوی راه هدایت نه شنوند سخن شمارا وای بیننده می بینی بتان را که می نگرند بسوی تووحال آنکه ایشان هیچ نمی بینند (۱۹۸) .

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿١٩٩﴾

لازم‌گیر درگذر راوبفرمابکار پسندیده واعراض کن ازنادانان (۱۹۹) .

وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ
سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾

واگر بازدارد تراوسوسهٔ بازدارنده ازجانب شیطان آمده پس پناه طلب کن ازخدا هرآئینه اوشنوا داناست (۲۰۰).

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا
فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾

هرآئینه متقیان چون برسدایشان را وسوسه ازشیطان یادمی کنند خدارا پس ناگهان ایشان بینامی شوند (۲۰۱) .

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ ﴿٢٠٢﴾

وبرادران کافران[1] می کَشَندایشان را در گمراهی سپس بازنمی ایستند (۲۰۲) .

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِم بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا ۚ قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ
مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِن رَّبِّي ۚ هَٰذَا بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ وَهُدًى
وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠٣﴾

وچون نمی آری نزدیك ایشان آیتی می گویند چراازطرف خوداختیار نکردی اورا بگوجزاین نیست که پیروی می کنم بآنچه فرود آورده شده است بسوی من از پروردگار من این قرآن نشانه ها است آمده از پروردگار شماوهدایت وبخشائش

---

(۱) یعنی قرینان ایشان ازشیاطین والله اعلم .

است مرقوم مومنان را (۲۰۳) .

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٢٠٤﴾

وچون خوانده شودقرآن پس گوش نهید بسوی آن وخاموش باشیدتامهربانی کرده شود برشما (۲۰٤) .

وَاذْكُر رَّبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٥﴾

ویادکن پروردگار خودرا درضمیر خود بزاری وترسکاری ویادکن پروردگار خودرا به کلام پست تر از بلند آوازی بامدادوشبانگاه ومباش ازغافلان (۲۰۵) .

إِنَّ الَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ۩ ﴿٢٠٦﴾

هرآئینه کسانیکه نزدیك پروردگار تواند[1] سر کشی نمی کنند ازعبادت او وبپاکی یادمیکنند اورا وبتخصیص اوراسجده می کنند (۲۰٦) .

سُورَةُ الْأَنفَالِ

سوره انفال مدنی است وآن هفتادو پنج آیت وده رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنفَالِ ۖ قُلِ الْأَنفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ ۖ فَاتَّقُوا

می پرسند ترااز غنیمت ها[2] بگوغنیمت

---

(۱) یعنی ملاء اعلی .

(۲) سورهٔ انفال درقصه بدر فرودآمده است درآیاتِ این سوره اشارت بوقائع این غزوه واقع شده ازآن جمله آنست که مسلمانان درغنیمت مباحثه میکردند آنانکه غارت کرده بودند خواستند که تنهابرآن متصرف شوند دیگران خواستند که علی السویه قسمت شود خدای تعالی نازل ساخت که متصرف ومختار درغنائم خدا ورسول اوست و دیگری را درین باب دخل نیست آنچه اهل جاهلیت می کردند ازاستیثارغارت کننده به غنیمت باطل است بعد ازآن حکم فرمود که غنیمت راپنج قسم بایدکرد چهار قسم درمیان غانمان قسمت کنندویکی در بیت المال نگاهداشته به تصرف آن رسانند واین تصرف حق است وعطای اوست بغیر دخل غارت کنندگان پس آیه "قل الانفال لله والرسول" محکم است غیر منسوخ.